بررسی تطبیقی کلونینگ انسانی (شبیه‌سازی انسان) ازمنظرفقه اسلامی

مظاهر حیدری[1]

چکیده

کلونینگ انسانی از جمله موضوعاتی است که به لحاظ ارتباط با اصلی‌ترین مسائل انسانی در ساحت‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی، در حوزه‌های گوناگون کلامی، حقوقی، اخلاقی و از جمله حوزه فقه به چالش جدی کشیده شده و فروع مختلفی را فراروی فقیه عصر حاضر نهاده است. عالمان اهل‌سنّت با آن‌که به‌کارگیری تکنیک شبیه‌سازی را در عرصه حیوانی مجاز می‌دانند؛ به گونه‌ای اجماعی هرگونه شبیه‌سازی در عرصه انسانی را نامشروع می‌شمارند. اغلب متفکران شیعه، شبیه‌سازی نباتی و حیوانی را به استناد اصل اباحه مجاز می‌دانند، اما درباره حکم شبیه‌سازی انسانی اتفاق نظر ندارند. دیدگاه آنان در قالب چهار فتوا ارائه شده است: جواز مطلق، جواز محدود، حرمت اولی و حرمت ثانوی. در این نوشتار نخست درباره کلونینگ (شبیه‌سازی) از نظر علمی به‌اجمال سخن می‌رود و سپس حکم تکلیفی آن از دیدگاه فقهای شیعه و اهل‌سنّت مورد ارزیابی و تطبیق قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: کلونینگ، شبیه‌سازی، سلول‌های بنیادین، فقه اسلامی، جواز، حرمت.

---

۱. سطح چهار حوزه علمیه قم، m.heidari012@gmail.com.

مقدمه

کلونینگ[1] به‌ویژه کلونینگ انسانی چهره ویژه‌ای از همان مهندسی ژنتیک هست که هرچند علمی نوپا و نوبنیاد است، شعاع بحث از آن بسی گسترده و عمیق می‌باشد. شبیه‌سازی دستاوردی است که می‌تواند در آینده نه‌چندان دور بر همه ابعاد زندگی انسان و دیگر جانداران تأثیر گذارد. قابل توجه است که دین و فقه هر دو با انسان از آن حیث که موجود عامل و کنشگر است، نسبت و پیوند دارد و در پی تنظیم و هدایت رفتار و کنش اوست؛ منتها دین با ساحت وسیع‌تر از رفتار و کنش و فقه با حوزه محدودتر و شکل خاصی از اعمال انسان ارتباط دارد.

از سوی دیگر، علم به‌ویژه دانش و فناوری جدید نیز معطوف به رفتار انسان‌ها شده است و در پی تبیین و توضیح علل و عوامل و سازکارهای شکل‌گیری رفتار و عمل آنان می‌باشد. به این ترتیب علم و دین در حوزه رفتار انسان با هم هماورد می‌شوند و طبعاً در این فرایند یکی برای دیگری پرسش‌ها، مسائل و حتی چالش‌هایی ایجاد می‌کند.

اولین بار در سال ۱۸۹۱ میلادی، هانس دریش، توتیای دریایی را در مرحله سلولی جدا کرده و دو فرد شبیه به هم تولید نمود. بعد از آن در سال ۱۹۷۰ این پروژه بر روی موش‌ها صورت گرفت که موفقیت‌آمیز بود و از آن پس تا سال۱۹۸۰ روی جانداران دیگر نیز به مرحله اجرا در آمد. سپس در جولای ۱۹۹۷ گروهی از دانشمندان اسکاتلندی موفق به شبیه‌سازی نخستین پستاندار زنده شدند. گوسفندی به نام دالی با استفاده از روش انتقال هسته سلولی به دنیا آمد، اما در مورد انسان برای اولین بار مدیر شرکت آمریکایی کلوناید تولد نخستین انسان شبیه‌سازی‌شده را اعلام کرد. این نوزاد دختر با استفاده از سلول پوست بدن یک زن آمریکایی ۳۱ ساله به وجود آمد و در

1. Cloning.

دسامبر ۲۰۰۲ با زایمان سزارین متولد شد و نام او را حّوا گذاشتند (ولی‌زاده رحمان، ۱۳۸۵، ص۱۷۶).

این مسئله مانند هر مسئله جدید دیگری مخالفان و موافقانی دارد. عمده دلایل موافقان شبیه‌سازی انسان، استناد به فواید و مزایای بسیار این فناوری است؛ مزایایی فردی مانند کمک به زوجین نابارور، ممانعت از بیماری‌های ژنتیکی، کمک به رفع مشکلات تأمین عضو پیوندی، تداعی و احیای خاطره بستگان وفات‌یافته یا در حال مرگ و مزایای اجتماعی مانند تکثیر افراد سرشناس و نوابغ، پیشرفت دانش و معرفت بشری. موافقان همچنین برخی دلایل فلسفی و عقلی را در دفاع از شبیه‌سازی اقامه می‌کنند؛ مانند حق آزادی تولید مثل، ارزشمندی هستی انسان به هر روش ممکن از جمله شبیه‌سازی، ارزشمندی رفاه و بهزیستی انسان‌ها از هر روشی از جمله شبیه‌سازی (محمدی، ۱۳۸۷، ص۱۲). در مقابل، مخالفان شبیه‌سازی به دلایل مختلفی تمسک کرده‌اند؛ از جمله دلایل فقهی و حقوقی از قبیل اختلاط در انساب، ابهام در روابط خویشاوندی، ابهام در نفقه وارث، از بین رفتن مفهوم مادری، از بین رفتن نهاد خانواده و ازدواج و سوءاستفاده مجرمان.

کلونینگ انسانی با دو هدف انجام می‌گیرد: ایجاد انسان کامل و ایجاد اندام‌های مختلف بدن انسان (شبیه‌سازی درمانی). در مورد اول به دلیل پیامدهای منفی اختلاف نظرها و مخالفت‌های زیادی وجود دارد؛ ولی در مورد شبیه‌سازی درمانی اختلاف نظر وجود ندارد و حتی به دلیل کارایی پزشکی و فواید مهم آن در درمان بیماری‌های مزمن، از آن استقبال هم شده است (صادقی، ۱۳۸۳، ص۹۵). هدف از این مقاله، پس از بیان تکنیک کلونینگ (شبیه‌سازی انسانی) از دیدگاه علمی، بررسی تطبیقی آن دسته از دلایل فقهی است که فقها و عالمان دینی شیعه و اهل‌سنّت در مورد شبیه‌سازی انسانی ذکر کرده‌اند.

۱. انواع شبیه‌سازی انسانی

۱. شبیه‌سازی رویانی (cloning Embryonic): در این روش یک سلول را قبل از رسیدن به مرحله تقسیمات جنینی با ایجاد تحریکات... به دو سلول تقسیم می‌نمایند که هر دو سلول از حیث نقشه ژنتیکی (D.N.A) کاملاً مثل هم هستند. دوقلوها در عالم زیست نتیجه چنین فرایندی‌اند.

۲. شبیه‌سازی درمانی (cloning Therapeutic): از این روش بیشتر برای درمان امراض لاعلاج استفاده می‌کنند؛ مثلاً وقتی سلول‌های خونی انسانی تولید پادزهر نمی‌کند و یا عضوی ناقص دارد، از طریق نقشه ژنتیکی سلول‌های سالم به تولید عضو سالم و یا سلول‌هایی خونی می‌پردازد که سالم است و قدرت تولید پادزهر را دارد.

۳. شبیه‌سازی تولیدی (Cloning Reproduction): از این روش در تولید انسان‌ها و حیوانات همانند استفاده می‌شود (مصباح، ۱۳۸۵، ص۱۱۸). این روش شبیه‌سازی کانون بحث این نوشتار است.

اگر بخواهیم شبیه‌سازی انسان را به‌صورت کوتاه و عمومی معرفی کنیم، باید بگوییم عبارت از فرایندی است که در آن ژن‌های انسان به‌وسیله دانشمندان با کمک فناوری‌های جدید این عرصه، مهندسی و برنامه‌نویسی می‌شوند، اما در اصطلاح فنی و علمی شبیه‌سازی انسانی فرایند بس پیچیده‌ای است که سازکار آن به‌صورت ذیل است: یک. سلول بنیادی تخم یا تخمک؛ دو. سلول بالغ یک بافت از اعضای بدن انسان؛ سه. عملیات و فرایند تخلیه هسته‌ای و جایگزینی در هسته‌ای دیگر. جهت تولید همانند یک موجود انسانی، نخست سلول تخم یا تخمک را از وجود یک خانم می‌گیرند و نقشه ژنتیکی (D.N.A) آن را بیرون می‌آورند. سپس سلول بافتی از بافت‌های بدن فرد دیگر از انسان را مثل سلول استخوان، پوست، مغز، عصب... را گرفته نقشه ژنتیکی او را نیز تخلیه می‌نمایند و D.N.A او را با روش‌های شیمی و جریان

الکتریسته داخل سلول تخمک که از D.N.A خودش تخلیه گردیده است، می‌سازند. هر سلول از هر بافت و عضو بدن انسان، اطلاعات تمامی بافت‌های بدن را دارد، اما تنها اطلاعات مربوط به بافت همان عضو در آن فعال و آشکار است، نه اطلاعات بافت‌های اعضای دیگر. در مقابل، در سلول تخمک یا سلول جنسی اطلاعات تمامی بافت‌های بدن به‌صورت فعال و بیدار وجود دارند. بنابراین هنگامی‌که نقشه ژنتیکی سلولی، از عضوی از بدن تخلیه و در هسته تخلیه‌شده سلول تخم یا تخمک جایگزین می‌گردد، اطلاعات همه بافت‌ها از تمامی اعضای بدن در آن نیز فعال می‌شود و از تمامی امکانات و اطلاعات سلول تخمک به جز D.N.A استفاده می‌نماید سپس این سلول داخل رحم صاحب سلول تخمک می‌شود و به‌صورت طبیعی سیر تکاملی خویش را پیموده، موجود انسان تولید می‌شود که از نظر ساختمان، نقشه و اطلاعات ژنتیکی همانند و شبیه کسی است که D.N.A از سلول اوگرفته شده است (ترنس براون، ۱۳۸۸، ص۱۲۶).

۲. کلونینگ (شبیه‌سازی) انسانی از دیدگاه علمای اهل‌سنّت

عالمان اهل‌سنّت، به اتفاق آراء، شبیه‌سازی انسانی را محکوم می‌کنند و آن را عملی نادرست، نامشروع، خلاف اسلام و غیراخلاقی می‌دانند. عالمان اهل‌سنّت طی فتواها یا بحث‌های مستقل بر حرمت شبیه‌سازی انسانی تأکید کردند: محمدبن صالح العثیمین، از مفتیان و عضو «هیئه کبار العلماء» در ریاض و رئیس بخش عقاید دانشگاه محمدبن سعود، خواستار اعدام مجریان شبیه‌سازی انسانی به‌عنوان محارب شد وکمترین کیفر آنان را بریدن دست و پای آنان به شکل ضربدری دانست (عودةالله، ۲۰۰۳، ص۱۶۶) دکتر محمد سید طنطاوی، شیخ الازهر (مصباح، ۲۰۰۲، ص۱۹۳) عبدالعزیزبن‌باز مفتی بزرگ عربستان (عودةالله، ۲۰۰۳، ص۱۶۴) و دکتر

یوسف القرضاوی با تأکید، شبیه‌سازی انسانی را عملی حرام دانسته وآن را فعلی شیطانی معرفی کردند. دکتر فرید نصر واصل، مفتی مصراعلام کرد که شبیه‌سازی عملی شیطانی و از نظر اسلام ممنوع است. دکتر محمد سلیمان الاشقر، فقیه اردنی نیز این کار را مطلقاً حرام دانست. (الاشقر، ۲۰۰۱م، ص۸۹) شیخ مختار الاسلامی مفتی جمهوری تونس، دلایل فراوانی بر ضد شبیه‌سازی انسانی اقامه کرد و دکتر عبدالمعطی بیومی استاد عقاید دانشکده اصول دین دانشگاه الازهر نیز شبیه‌سازی انسانی را حرام شمرد (غنیم، ۱۹۹۸، ص۱۵۲؛ الخادمی، ۱۴۲۵، ص۱۳۶؛ عودةالله، ۲۰۰۳م، ص۱۱۴). بدین‌ترتیب از نظر اهل‌سنّت شبیه‌سازی انسانی مطلقاً و در هر صورتی حرام است.

۳. دلایل فقهی اهل‌سنّت بر حرمت شبیه‌سازی انسانی

برای حرمت شبیه‌سازی انسانی، فقیهان و صاحب نظران اهل‌سنّت دلایل مختلفی اقامه کرده‌اند. در این بخش مهم‌ترین دلایل فقهی در مخالفت با شبیه‌سازی انسانی بیان شده و مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

الف) تغییر سنت الهی در تولید نسل

شبیه‌سازی تغییر سنت خدا در آفرینش انسان و تغییر شیوه مشروع ایجاد نسل است. سنت خدا در خلق آن است که مخلوق انسانی را از اجتماع دو نطفه که هر یک دارای تعدادی از کروموزوم‌هاست بیافریند (قرضاوی، ۲۰۰۳، ص۲۳۱). بر اساس این دلیل، تنها روش مورد قبول اسلام برای تولید نسل، تماس جنسی است که درشبیه‌سازی انسانی چنین تماسی وجود ندارد و چون اسپرم مرد در آن نقشی ایفا نمی‌کند، ازنظر اسلام حرام است (عودةالله، ۱۶۱، ۲۰۰۳؛ مصباح، ۲۰۰۲، ص۴۹).

نقد و بررسی

این دلیل قابل پذیرش نیست؛ به جهت این‌که اولاً نصی دال بر این مطلب وجود ندارد، زیرا در هیچ جای فقه یا آیات قرآن یا احادیث نبوی مطلبی دال بر این‌که تولید مثل باید از طریق آمیزش و تماس جنسی باشد، نیامده است. بنابراین صدور حکم وجوب یا حرمت نیازمند دلیل است؛ ثانیاً با رجوع به آیاتی همچون ﴿یَخْرُجُ مِنْ بَیْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ﴾ که مورد استناد مخالفان شبیه‌سازی انسانی است، نمی‌توان حکم وجوب استخراج کرد، زیرا این آیات تنها بیان‌گر یک رخداد و سنت الهی در تولید مثل و تدبر و تفکر در منشأ خلقت انسان هستند و در اینجا هیچ حکم تکلیفی صادر نشده است. پس این آیات وجوب فقهی آن استنباط نمی‌شود؛ ثالثاً نحوه تولد حضرت عیسی ﷺ مغایر نظر مخالفان شبیه‌سازی انسانی است.

ب) از بین رفتن نهاد ازدواج و نابودی خانواده

طبق این دلیل اگر هر کسی بتواند به آسانی و بدون نیاز به ازدواج، انسانی را شبیه‌سازی کند، دیگر ضرورتی برای تن دادن به امر ازدواج و تحمل سختی‌ها و مشکلات آن ندارد. همین امر در درازمدت سبب نابودی نهاد خانواده خواهد شد. به همین دلیل اشخاصی مثل جمال نادر (نادر، ۲۰۰۱ م، ص۱۱)؛ دبیر کل رابطه العالم و ریاض احمد (عودة‌الله: ۲۰۰۳، ص۹۸) شبیه‌سازی انسانی را مخالف سنت ازدواج و حرام می‌دانند.

نقد و بررسی

دلیل مذکور بر این فرض استوار است که هدف و انگیزه اصلی از ازدواج تولید مثل است؛ حال آن‌که شبیه‌سازی انسانی مستلزم عدم ازدواج و برچیده شدن این نهاد خواهد بود. در پاسخ می‌توان گفت که کلیت این سخن که هدف و انگیزه اصلی مردم از ازدواج تولید مثل است، پذیرفته نیست، زیرا شاید افرادی با انگیزه‌های مختلفی

چون اقتصادی و... به ازدواج اقدام کنند. از سوی دیگر واقعیات و مشاهدات بیرونی برخلاف مدعای آنان است. بنابراین می‌توان گفت که در غالب ازدواج‌ها، غایت تولید مثل است، نه هدف و انگیزه اصلی.

ج) از بین رفتن مفهوم مادری

با رواج شبیه‌سازی انسانی رابطه فرزند و مادر به رابطه میان دو شیء و نه دو انسان برمی‌گردد و مفهوم مادری همراه با معانی عاطفی آن از میان خواهد رفت. ریاض احمد معتقد است که این کار به مسخ غریزه مادری می‌انجامد، زیرا رحم را تنها به ابزاری برای حفظ جنین تبدیل می‌کند (عودةالله، ۲۰۰۳، ص۱۳۶) مادری که برای زایمان و پرورش جنین خود زحمت نکشد، حس مادری نخواهد داشت (الدمرداش، ۱۹۹۷، ص۱۱۴ ـ ۱۱۳).

نقد و بررسی

این دلیل بر چند فرض استوار است: نخست آن‌که مخالفان شبیه‌سازی انسان، با استناد به آیه۱۵سوره احقاف ﴿وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا﴾ معتقدند که درد و رنج جزو مقومات مادری و شرط تحقق آن است و مادر باید رنج ببرد و درشبیه‌سازی این‌گونه نیست؛ دوم این‌که در شبیه‌سازی وظیفه مادری تقسیم می‌شود و به جای یک مادر، دو یا چند مادر حضور دارند؛ سوم آن‌که زنی که جنینی را در رحم خود می‌پرورد، او را غریبه و بیگانه حس می‌کند.

در خصوص فرض اول به نظر می‌رسد این استدلال از یک واقعیت غالب موجود، حکم وجوب را استخراج کرده؛ درحالی‌که آیه قرآن ناظر به غالب بارداری‌هاست، نه این‌که لزوماً بارداری باید با درد ورنج همراه باشد. پس نمی‌توان نتیجه گرفت که رنج کشیدن بخش اجتناب‌ناپذیر مادری است.

در فرض دوم، هیچ ملازمه منطقی میان شبیه‌سازی انسانی و تعدد یا وحدت مادر وجود ندارد، زیرا شاید همان زنی که دهنده تخمک است، زایگوت را نیز در رحم خود بپرورد که در این‌صورت حمل کرهی و وضع کرهی و درد نیز وجود دارد.

فرض سوم نیز پذیرفتنی نیست، زیرا اولاً در اینجا مادر بخشی از ژن‌های خود را به جنین منتقل می‌کند؛ ثانیاً زنی که یک ماه یا بیشتر به نوزادی شیر می‌دهد، مادر رضاعی آن طفل خواهد بود.

د) اختلاط انساب

تشریع احکام تکلیفی و وضعی در اسلام در مجموع برای حفظ مقاصد اساسی زندگی و از جمله حفظ نسب صورت گرفته است. تعیین نوع خاصی از ازدواج همراه با شرایط معین، تعیین عده برای زن مطلقه و تحریم زنا، از اهتمام اسلام به حفظ نسب و جلوگیری از خلط نسب ناشی می‌شود. در شبیه‌سازی انسانی این هدف اساسی و ضروری زندگی از میان می‌رود و موجب خلط نسب می‌شود؛ و حال آن‌که حفظ نسب از امور مطلوب و لازم الرعایة و ذهاب و خلط نسب از امور ممنوعه در شریعت اسلام می‌باشد. طنطاوی علت حکم تحریم شبیه‌سازی انسانی را اختلاط انساب می‌داند (عودةالله، ۲۰۰۳، ص۱۶۱). غالب فقهای اهل‌سنّت معتقدند که چون شبیه‌سازی انسانی موجب خلط نسب می‌شود، از نظر اسلام حرام و ممنوع است (عودةالله، ۲۰۰۳، ص۱۸۹).

نقد و بررسی

در تبیین صغرای مسئله که شبیه‌سازی باعث از بین رفتن نسب می‌شود، گفته شده طفل شبیه‌سازی که منشأ تکونش سلول غیرجنسی است، از ناحیه پدر به هیچ کس انتساب پیدا نمی‌کند و طفلی بدون پدر متولد می‌شود، در تمام صور شبیه‌سازی این نقطه مشترک وجود دارد که انتساب از ناحیه پدر قطع خواهد شد و در برخی صور هم

در انتساب از ناحیه مادر مشکل پیدا می‌شود و به مادر نیز منتسب نمی‌باشد؛ یعنی زن نگه‌دارنده جنین، جنین غریبی را نگه می‌دارد که نه از اوست و نه از شوهرش و نه در چارچوب رابطه زوجیت می‌گنجد. بنابراین شبیه‌سازی مستلزم از بین رفتن نسب و هویت اشخاص می‌شود (مرتضوی، ۱۳۹۵، ص۵۲).

لذا این‌که برخی پاسخ داده‌اند در شبیه‌سازی انسانی امکان خلط نسب وجود ندارد، زیرا خلط میاه و انساب زمانی اتفاق می‌افتد که چندین مرد به‌طور همزمان با یک زن رابطه داشته باشند؛ درحالی‌که در اینجا مسئله میاه منتفی است (عسگری یزدی، میرزایی، ۱۳۹۶، ص۸۰۱) صحیح نمی‌باشد، زیرا آنچه در ادله آمده است، مجرد اختلاط و اشتباه نسب نیست تا گفته شود این عنوان در مورد شبیه‌سازی صادق نیست؛ بلکه تعبیر ذهاب نسب نیز در روایات آمده است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج۴۸، ص۱۷۶) که در مورد شبیه‌سازی صادق می‌باشد.

از فقهای امامیه نیز آیات عظام تبریزی (۱۴۲۷ق، ص۲۸۵)، سید کاظم حائری (بی‌تا، ص۲۴۸) و مکارم شیرازی (۱۴۲۴ق، ص۱۳۲) بر این امر تأکید کرده‌اند.

۴. کلونینگ (شبیه‌سازی) انسانی از دیدگاه علمای شیعه

در مورد شبیه‌سازی انسانی، بر خلاف اهل‌سنّت، در میان علمای شیعه اتفاق‌نظر وجود ندارد؛ آنان درباره شبیه‌سازی انسانی نظریات متفاوت و گاه متضادی اتخاذ نموده و فتواهای مختلفی صادر کرده‌اند. درحالی‌که برخی آن را کاملاً مجاز و برخی دیگر آن را حرام شمرده‌اند. از بررسی فتواهای مختلف فقهای شیعه می‌توان به نتایج زیر دست یافت:

۵. جواز مطلق شبیه‌سازی انسانی

برخی فقها و صاحب‌نظران به دلیل نبود نصی خاص و روشن که بر حرمت شبیه‌سازی انسانی دلالت کند و به استناد قاعده «کلّ شیء لک حلال حتّی تعلم انّه

حرام بعینه فتدعه» (شیخ حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج۱۲، ص۶۰) به استناد اصل اباحه اصلیه، شبیه‌سازی انسانی را مجاز شمرده‌اند. برای مثال در برابر این پرسش که: آیا شبیه‌سازی و تکثیر انسان در آزمایشگاه و از طریق روش‌های پیشرفته علمی (کلوناژ) جایز است؟ پاسخ برخی از فقها بدین شرح است:

آیت‌الله سید علی سیستانی، آیت‌الله عزالدین زنجانی، آیت‌الله فاضل لنکرانی معتقدند فی‌نفسه مانعی ندارد، مگر این‌که محرز شود توالی فاسد دارد (صادقی، ۱۳۸۳، ص۷۹). آیت‌الله موسوی اردبیلی و آیت‌الله سید محمدسعید حکیم بر این نظرند که اگرچه شبیه‌سازی در مورد انسان تاکنون به مرحله عمل نرسیده است، ولی دلیل قوی و محکمی بر حرمت چنین تحقیقات و آزمایش‌هایی وجود ندارد (مجموعه آرای فقهی ـ قضایی در امور حقوقی، ۱۳۸۱، ص۲۳۱).

آیت‌الله صادق روحانی و آیت‌الله آصف محسنی و آیت‌الله عبدالله جوادی عاملی و آیت‌الله معرفت شبیه‌سازی انسانی را جایز می‌دانند (محسنی، ۱۳۸۲، ص۴۱۵). علامه فضل‌الله نیز نه‌تنها شبیه‌سازی انسانی را مغایر سنت خدا نمی‌داند، بلکه آن را گامی در جهت فهم عمیق‌تر سنت‌های نهان در هستی معرفی می‌کند. وی بر این نظر است که این مسئله نه از نظر اعتقادی مشکلی دارد و نه از نظر شرعی و فقهی، لیکن به‌طور طبیعی مانند هر مسئله تازه‌ای ممکن است ابهاماتی در فقه پدید آورد که نیازمند فهم و بررسی است. ایشان با دعوت به عقلانیت و پرهیز از تکفیر یکدیگر، تا جایی پیش رفت که گفت اگر علم قطعی با برخی از ظواهر دینی تعارض پیدا کرد، باید آن ظواهر را تأویل نمود (فضل‌الله، آخرون، ۱۹۹۷م، ص۱۰۰). گفتنی است که وی در گفت‌وگوهای مختلفی بر ضرورت درنگ در این مسئله و پرهیز از شتابزدگی در صدور حکم و تلاش برای به دست آوردن تقریر درستی از ماهیت شبیه‌سازی تأکید می‌کند و حتی از برخی یاران خود در اروپا می‌خواهد تا اطلاعات دقیقی در این زمینه برای او فراهم کنند

(حسین‌طه، ۲۰۰۰م، ص۵۹). سید محمدسعید حکیم بر این نظر است که شبیه‌سازی انسانی مباح است دلیلی بر حرمت آن نیست. وی در پاسخ به استفتایی در این‌باره، به‌تفصیل نظر خود را بیان می‌دارد. از این منظر شبیه‌سازی انسانی نوعی به‌کارگیری سنت‌ها و قوانین الهی است که کشف و کاربست آنها بیان‌گر قدرت عظیم خداوند به‌شمار می‌رود؛ در نتیجه این کار درصورتی‌که با عمل حرام دیگری همراه نشود، مجاز و مباح است (طباطبائی حکیم، ۱۹۹۹، ص۱۸). ایشان نه‌تنها این کار را مجاز می‌شمارد، بلکه یکایک دلایلی را که بر ضد شبیه‌سازی انسانی اقامه شده است، به نقد می‌کشد و آنها را برای اثبات حرمت ناکافی می‌داند (همان، ص۱۹ ـ ۲۰).

آقای موسوی‌سبزواری نیز به تحلیل حکم شرعی این مسئله پرداخته و شقوق ممکن را برشمرده است. از نظر وی شبیه‌سازی انسانی منطقاً سه حالت می‌تواند داشته باشد: یکم: حرمت ذاتی؛ یعنی به دلیل آن‌که این کار دخالت در کار خداوند یا دستکاری ژنتیکی به‌شمار می‌رود، آن را ذاتاً حرام بشماریم. دوم: حرمت تشریعی مانند حرمت زنا و شرب خمر. سوم: حرمت به استناد دلایل ثانوی. از این منظر ممکن است که شبیه‌سازی انسانی فی‌نفسه مباح باشد، اما دلایل دیگری موجب تحریم ثانوی آن شود (سبزواری، بی‌تا، ص۵ ـ ۱۲۴). وی پس از نقل نقد این دیدگاه‌ها، نظر می‌دهد که شبیه‌سازی انسانی با قطع نظر از مسائل دیگر مباح است و در حقیقت به‌کارگیری قوانین و سنن الهی که در نهاد موجودات نهاده است، به شمار می‌رود (همان، ص۱۲۵). از این منظر ادعای تحریم این کار نیازمند دلیل است؛ حال آن‌که ادعای جواز موافق اصل است و قائل به آن ملزم به ارائه دلیل نیست (همان، ۱۲۶). سیدمحمد شیرازی نیز در پاسخ به استفتایی که در سال ۱۹۹۶ درباره امکان شبیه‌سازی انسانی از ایشان شد پاسخ داد اصل جواز است، مگر این‌که محذور شرعی داشته باشد مانند: اختلال نظام (اعداد، الاستنساخ في رأی الامام الشیرازی).

بدین‌ترتیب از نظر برخی عالمان شیعه، شبیه‌سازی انسانی طبق اصل اوّلی و درصورتی‌که با عمل حرام دیگری همراه نباشد، جایز است.

۶. جواز محدود شبیه‌سازی انسانی

برخی بر اساس نصوص موجود و به استناد اصل اوّلی در این مورد، شبیه‌سازی انسانی را مجاز شمرده‌اند، اما بر این نظرند که انجام گسترده شبیه‌سازی انسانی مشکلاتی فراهم می‌آورد؛ مانند وجود افراد همانند و دشواری بازشناسی آنان از یکدیگر؛ در نتیجه آنان حکم به جواز موردی و فردی داده و آن را در سطح کلان غیرمجاز شمرده‌اند. از این منظر شبیه‌سازی انسانی تنها به گونه‌ای موردی و در سطح فردی و محدود مجاز است. استاد حسن جواهری این نظر را مطرح کرده‌اند که شبیه‌سازی فی‌نفسه و به‌عنوان اوّلی، اشکالی ندارد، به شرط آن‌که همراه با عمل حرام دیگری نباشد؛ اما اگر این کار در سطح وسیعی صورت گیرد و بر اثر تشابه تام موجب اختلال نظام گردد، حرام خواهد بود (جواهری، ۱۳۸۵، ص۱۹). بااین‌همه، به نظر وی این کار در سطح فردی اشکالی ندارد و نیازی به قول به حرمت مطلق نیست (همان، ص۲۰). ایشان نه‌تنها این کار را در سطح فردی مجاز می‌شمارد، بلکه ادعای حرام بودن آن را حرام می‌داند؛ یعنی کسی حق ندارد، امری مشروع را حرام بشمارد و بی‌دلیل فتوا به حرمت آن دهد؛ زیرا این کار نوعی تشریع خلاف شرع و مشمول این نهی خداوند است که در سوره نحل، آیه۱۱۶ می‌فرماید: ﴿وَلَا تَقُولُوا لِمَا تَصِفُ أَلْسِنَتُكُمُ الْكَذِبَ هَذَا حَلَالٌ وَهَذَا حَرَامٌ لِتَفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ...﴾ در نتیجه از نظر ایشان، هرچند این کار حلال است، ولی فقیه می‌تواند این کار را بنا به مصالحی و به‌عنوان حکم حکومتی حرام اعلام کند. در این صورت، این حرمت موقت و قابل رفع است (همان، ص۲۱). وی آن‌گاه به این پرسش که آیا شبیه‌سازی نقض کرامت انسان نیست؟ پاسخ می‌دهد: کرامت خدادادی همان قدرت تعقل و رشد و طی مدارج کمال است و این کار نقض کرامت به شمار نمی‌رود

(همان، ص۲). همچنین این پرسش را مطرح می‌کند که آیا منع شبیه‌سازی انسانی، به معنای منع حق انتخاب افراد در نحوه تولید مثل نیست؟ و پاسخ می‌دهد: اگر شبیه‌سازی را به‌طور مطلق منع کنیم، این کار مانع حق انتخاب افراد خواهد بود. اما منع فی‌الجمله محدود آن و برای افرادی خاص، مانع اصل حق انتخاب در نحوه تولید مثل نمی‌گردد (همان، ص۲۷). بنابراین دیدگاه دوم آن است که شبیه‌سازی انسانی در سطح محدود مجاز است و در سطح کلان می‌تواند حرام باشد.

۷. حرمت ثانوی شبیه‌سازی انسانی

برخی فقهای شیعه بر این نظرند که شبیه‌سازی انسانی فی‌نفسه و به‌عنوان اولیه اشکالی ندارد و به استناد اصاله الاباحه، جایز است؛ لیکن انجام آن به مفاسدی اجتناب‌ناپذیر خواهد انجامید. ازاین‌رو برای پیشگیری از این مفاسد، شبیه‌سازی انسانی به‌عنوان ثانوی حرام به شمار می‌رود. آقایان سیدکاظم حائری، سیدصادق شیرازی و آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی از این نظر حمایت می‌کنند.

سیدکاظم حائری درباره شبیه‌سازی انسانی بر این نظر است که نفس این کار اگر موفقیت‌آمیز باشد و با عمل حرامی همراه نگردد، به‌عنوان اولی جایز است، لیکن از آیه شریفه ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ... اخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَأَلْوَانِكُمْ﴾ (روم، آیه ۲۲) درمی‌یابیم که حکمت خداوند برای حفظ نظام بر اختلاف زبان‌ها و رنگ‌ها جریان یافته است و ازآنجاکه این شبیه‌سازی درصورتی‌که به شکلی وسیع به کارگرفته شود به دلیل عدم امکان بازشناسی خریدار از فروشنده، خواهان از خوانده در دعاوی، ستمگر از ستمدیده و مانند آن در عقود، ایقاعات و جنایات غیره، حتماً به اختلال نظام می‌انجامد، پس لازم می‌آید که به سبب این لازمه باطل، این کار در سطح وسیع آن تحریم شود (ما هو رأی الشریعه الاسلامیه من عملیه الاستنساخ، قابل دسترسی در پایگاه البلاغ به آدرس balagh.com).

تحلیل صدر و ذیل نحوه استدلال، این تصور را تقویت می‌کند که ایشان شبیه‌سازی انسانی را در سطح فردی و محدود می‌پذیرد و تنها آن را در سطح کلان حرام می‌داند. در این صورت، این دیدگاه به دیدگاه قبلی ملحق می‌شود، لیکن ازآنجاکه تصریحی بر جواز آن به‌صورت فردی در این سخن دیده نمی‌شود، می‌توان احتمال داد که ایشان به دلیل آن لوازم فاسد، شبیه‌سازی انسانی را حتی در سطح فردی حرام می‌داند، به‌خصوص آن‌که گردآورندگان این استفتائات، پس از نقل نظر ایشان و نقل نظر آیت‌الله جواد تبریزی که قائل به حرمت است، نظر آن دو را یکی می‌دانند و آنها را چنین جمع‌بندی می‌کنند: «شبیه‌سازی به‌عنوان اولی جایز است، ولی با عناوین ثانوی و آثار سوءمترتب بر این کار، حرام می‌گردد». البته فتوای دیگری از ایشان در دست است که در آن این قطعیت و تأکید بر مفاسد حتمی شبیه‌سازی انسانی وجود ندارد و حکم مسئله به گونه‌ای مشروط بیان و حتی شبیه‌سازی انسانی در موارد نادر مجاز شمرده شده است. ایشان در پاسخ به استفتایی درباره مسائل شبیه‌سازی چنین می‌فرماید: «اگر شبیه‌سازی به اختلال در نظام اجتماعی مانند عدم تشخیص ستمگر از ستمدیده و محرم از نامحرم و وارث از غیر وارث و غیر آن بینجامد، شبیه‌سازی حرام می‌گردد و این است معنای در معرض تهدید قرار گرفتن حقوق انسان یا زیان دیدن مصالح فرد و جامعه. اما شبیه‌سازی به شکلی نادر که به مفاسدی از این قبیل نینجامد حرام نیست و توجیهی برای منع آن وجود ندارد» (تبریزی، ۱۴۱۹، شماره ۱۰۹۲).

آیت‌الله فاضل در مورد شبیه‌سازی که منجر به تولید جنین می‌شود، می‌فرمایند: برای تبعات بعدی آن محذوریت پیش نمی‌آید، ولی این موضوع نیازمند تحلیل بیشتری است؛ چون فقها اسقاط جنین را قبل از ولوج روح حرام می‌دانند؛ البته حرمت قتل را ندارد. این حرمت، شبیه حرمت تشریح است که برخی فقها به آن فتوا داده‌اند، ولی

حرمتش را به اندازه حرمت قتل نفس ندانسته‌اند؛ اما پس از ولوج روح، حرمت شدیدتر می‌شود و دیه دارد و هرچه مدت بیشتری بگذرد، دیه‌اش بالاتر می‌رود و حرمتش هم بیشتر می‌شود؛ چون دیه نشانه حرمت در نزد شارع است. ایشان در جای دیگر بیان می‌دارد که اگر شبیه‌سازی درمانی به این معنا باشد، هم ادله و هم فتاوا دلالت می‌کنند که اگر نطفه در رحم استقرار یابد، ولو یک‌روزه باشد، از بین بردن آن حرام است؛ حتی در روایت معتبری به صراحت تعبیر شده که: «لأنها قَتلته» با وجود این، آنچه گفته شد به‌عنوان دیدگاه اولیه و اجمالی است، نه نظریه و حکم قطعی؛ چون تمام این مباحث در جایی است که کسی بخواهد نطفه را به‌طورکلی از بین ببرد، اما مثلاً اگر شبیه‌سازی درمانی به گونه‌ای باشد که سلول ملقّح را بخواهند تبدیل کنند، این دیگر انهدام و از بین بردن نطفه نیست؛ بلکه تبدیل شدن به سلول دیگر است. آن‌گاه شاید شبیه‌سازی درمانی از شمول روایات خارج شود. آیت‌الله سید صادق شیرازی نیز در پاسخ به استفتایی درباره مشروعیت این کار می‌گویدکه شبیه‌سازی فی‌نفسه کشفی علمی و مجاز است، لیکن ازآنجاکه مستلزم امور غیرجایزی مانند اختلال نظام طبیعی و وجود محذور شرعی است، عدم جواز به آن سرایت می‌کند و حرام می‌گردد. در نتیجه فعلاً و در چارچوب شرایط معاصر، جایز نیست، والله العالم (شبکه النبأ المعلوماتیه ـ الخمیس ۲۰۰۳/۱/۲، ۲۸ شوال ۱۴۲۳به آدرس annabaa.org). سرانجام آیت‌الله مکارم شیرازی می‌کوشد از همین دیدگاه با استدلال بیشتر و مفصل‌تری دفاع نماید. ایشان در استفتایی به این مسئله چنین پاسخ می‌دهد: در آنجایی که منجر به مفاسد اخلاقی و اجتماعی می‌شود، جایز نیست (الاستنساخ، قابل دسترسی در سایت اختصاصی ایشان، به آدرس amiralmomenin.net).

همچنین هنگام پرسش از جواز شبیه‌سازی انسانی، پاسخ می‌دهد که «این کار جایز نیست و مفاسد زیادی دارد اطلاعاتی که اخیراً منتشر شده نشان می‌دهد

کسانی‌که از طریق شبیه‌سازی به‌وجود می‌آیند در معرض ناهنجاری‌های جسمی شدیدی هستند، مانند کمبود کلیه‌ها و نیمی از مغز و امثال آن». این پاسخ می‌تواند هم به معنای تحریم به‌عنوان حکم اوّلی باشد و هم حکم ثانوی، لیکن مبنای ایشان در جاهای دیگر روشن است. در مورد دیگری استفتایی به این شرح از ایشان شده است: آیا کلونینگ (شبیه‌سازی) انسان، با توجه به پیامدهایی از قبیل احتمال ابتلا به بیماری‌های پیش‌بینی‌نشده و بروز آثار سوء روانی ـ عاطفی بر انسان‌های کلون‌شده و به هم خوردن نظام طبیعی خانواده و حذف نقش پدر و جایگاه نامشخص نوزاد کلون‌شده در خانواده و به هم خوردن اصل واحد بودن انسان و از دست رفتن حق آزادی انتخاب (اتفاقی) وکاهش تنوع ژنتیکی انسان‌ها در درازمدت تردید در روح داشتن انسان کلون شده جایز است؟ (دهمین سؤال از مجموعه استفتای مورخ ۱۳۸۲/۱/۱۲، موجود در دفتر ایشان). ایشان در جواب این استفتا می‌نویسد: این کار ذاتاً از نظر شرع اشکالی ندارد، ولی با توجه به مشکلات جنبی که به بار می‌آورد و جامعه انسانی را مواجه با ناهنجاری‌هایی می‌سازد که بر اهل خبره پوشیده نیست، انجام آن خالی از اشکال نیست. به همین جهت، حتی افرادی که پایبند به دین و شریعتی نیستند، به‌خاطر مفاسد مختلف آن، به مخالفت با آن برخاسته‌اند و در بعضی کشورها مجازات‌های سنگینی برای آن قائل شده‌اند (پاسخ به استفتای مورخ ۱۳۸۲/۱/۱۲ در مجموعه دوازده استفتا موجود در دفتر ایشان). اما در اینجا به نظر می‌رسد که ایشان از حکم به تحریم خودداری و تنها به آوردن احتیاطی بسنده کرده است. بااین‌همه، ایشان به گونه‌ای اجتهادی این مسئله را در درس خارج خود طرح و دلایل خویش را بیان داشته است. در این درس، ایشان چند مسئله را پیش می‌کشند: نخست توضیح مکانیسم و فرایند این کار؛ دیگری حکم شرعی شبیه‌سازی؛ سوم نقد دلایل حرمت شبیه‌سازی و چهارم بررسی احکام شرعی یا وضعی شخص

شبیه‌سازی‌شده. درباره حکم شرعی شبیه‌سازی یا جواز و حرمت اصل این عمل، به نظر ایشان «این مسئله از سه جهت قابل بررسی است: ۱. از نظر لوازم و عوارض؛ ۲. عنوان اولی؛ ۳. عنوان ثانوی» (علیان‌نژادی، ۱۳۸۰، ص۲۵). در مورد جهت اول، به نظر ایشان این کار مستلزم انجام محرماتی مانند لمس و نظر حرام است، مگر آن‌که مجری این کار شوهر باشد که فرض نادری است (همان). درباره جهت دوم، به نظر ایشان اصل اباحه است؛ چون آیه و روایت و اجماع و دلیل عقلی بر حرمت (شبیه‌سازی) نداریم، و از مسائل مستحدثه است. درباره جهت سوم بحث، ایشان برای شبیه‌سازی، برخی از مسائل اخلاقی، حقوقی و اجتماعی ناپذیرفتنی را یاد می‌کند و نتیجه می‌گیرد که از نظر عناوین ثانویه، این کار برای جامعه بشری خطرناک است. لذا تمام اقوام و ملل جهان آن را خلاف مسائل اخلاقی می‌دانند و حتی بسیاری از دولت‌ها با تصویب قانون، این کار را ممنوع دانسته‌اند. آن‌گاه ایشان بحث خود را این‌گونه جمع‌بندی می‌کند: شبیه‌سازی از نظر حکم شرعی به‌عنوان اوّلی مشمول اصل اباحه است؛ چون آیه و روایت، دلیل عقلی و اجماعی بر حرمت نداریم (همان، ص۲۶ - ۲۷). سرانجام آن‌که: شبیه‌سازی به‌عنوان اولی مشمول اصل اباحه است؛ ولی به‌عنوان ثانوی، حرام است (علیان‌نژادی، ۱۳۸۰، ص۲۶).

آیت‌الله یوسف صانعی نیز که از قائلان به حرمت شبیه‌سازی انسانی است، هرچند تصریحی به حکم اولی یا ثانوی بودن حرمت این کار ندارد، فتوای خود را به گونه‌ای سامان داده است که گویای حرمت ثانوی آن است. از نظر ایشان شبیه‌سازی انسانی در حال حاضر قطعاً حرام است، زیرا شناخت افراد از یکدیگر مشکل و قوانین حقوقی دچار اشکال می‌شود و در زمینه نسب، ازدواج و تقسیم ارث مشکلاتی به وجود می‌آید؛ در نتیجه از نظر ایشان باید با این کار مقابله کرد و مانع انجام آن شد (اصفهانی، ۱۳۸۴، ص۱۳۸ ـ ۱۳۹). البته ایشان در فتوای دیگری با تأکید بر

مشکلات این کار و مخالفت با آن، شبیه‌سازی انسانی را در موارد نادر و ضرورت‌های شدید که نافع برای بشریت باشد، مجاز شمرده است (صادقی، ۱۳۸۳، ص۷۹).

بدین‌ترتیب، سومین دیدگاه در میان شیعه، شبیه‌سازی را به‌عنوان اولی حلال و به‌عنوان ثانوی حرام می‌شمارد.

۸. حرمت اوّلی شبیه‌سازی انسانی

در برابر سه نگرش فوق که در نهایت اصل شبیه‌سازی انسانی را به‌عنوان اولی مجاز می‌شمردند و تنها در دامنه یا حکم ثانوی آن تفاوت داشتند، نگرش چهارم اساساً شبیه‌سازی انسانی را به‌عنوان فعلی که فی‌نفسه حرام است، معرفی می‌کند و آن را به‌عنوان اولی نامشروع می‌داند. البته این نگرش طرفداران اندکی دارد و دلایل چندانی به سود آن اقامه نشده است. از قائلان به این نگرش می‌توان آیت‌الله جواد تبریزی را نام برد. ایشان در پاسخ به این استفتا که آیا مشابه‌سازی و تکثیر انسان در آزمایشگاه و از طریق روش‌های پیشرفته علمی (کلوناژ) جایز است؟ به‌اختصار پاسخ می‌دهند: جایز نیست (الاستنساخ بین الاسلام و المسیحیه، ص۱۳۲). ایشان در جای دیگری به‌تفصیل نظر دلایل خود را این‌گونه بیان می‌کند: شبیه‌سازی انسانی جایز نیست، زیرا تمایز و تفاوت میان ابنای بشر، ضرورتی است برای جوامع انسانی و مقتضای حکمت خدای سبحان است. خدای تعالی می‌فرماید: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَأَلْوَانِكُمْ﴾ (روم، آیه ۲۲). همچنین می‌فرماید: ﴿وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا﴾؛ (حجرات، آیه ۱۳) زیرا نظام عامّ بر آن متوقف است؛ درحالی‌که شبیه‌سازی انسانی ـ افزون بر آن‌که مستلزم محرمات دیگری مانند مباشرت ناهمجنس و نظر بر عورت است ـ موجب اختلال نظام و هرج‌ومرج است؛ در نتیجه در نکاح امر میان زوجه و زن اجنبی و محرم و نامحرم خلط می‌شود و در همه معاملات امکان بازشناسی میان طرفین وجود

نخواهد داشت و نمی‌توان قابل را از موجب شناخت (ما هو رأی شریعه الاسلامیه من عملیه الاستنساخ، قابل دسترسی در سایت البلاغ).

علامه محمدمهدی شمس‌الدین هم‌زمان با اعلام مجاز بودن این کار به‌وسیله علامه فضل‌الله، و درست برخلاف نظر او، آن را حرام شمرد و مجله *الشراع* طی مقاله‌ای با عنوان «حلال و حرام بین السید و الامام» به تفاوت جوهری دیدگاه این دو پرداخت (مجله الشراع، ۱۹۹۷/۳/۲۴). وی نه‌تنها شبیه‌سازی انسانی را حرام شمرد، بلکه اجرای شبیه‌سازی در عرصه حیوانات را نیز نامشروع دانست و گفت: «در مقام فتوادادن درباره شبیه‌سازی، اجرای این عمل بر حیوانات مطلقاً حرام است» و در ادامه این فتوا، وی بر حرمت قطعی و مطلق شبیه‌سازی انسانی تأکید نمود. البته موضع وی در قبال شبیه‌سازی حیوانی ظاهراً متغیر بود و به گونه روشنی موضع خود را مشخص نمی‌کرد. برای مثال یک صفحه پس از تأکید بر حرمت شبیه‌سازی حیوانی، چنین نوشت: شبیه‌سازی انسانی قطعاً و یقیناً نامشروع است و در مجال حیوانی، مسئله‌ای است که باید درباره‌اش بحث شود، ولی به گونه‌ای به‌خودی‌خود مشروعیت آن را اثبات نمی‌کنیم (الاستنساخ بین الاسلام و المسیحیه: مقالات و ابحاث و مقابلات لکبار رجال‌الدین و المفکرین و الباحثین من مختلف الادیان و المذاهب، ص۱۳۳). وی درگفت‌وگویی با مجله *الشراع*، علت اصلی تحریم شبیه‌سازی انسانی را عدم تسلط انسان بر جسد خود دانست. وی مدعی شد که خداوند بشر را آفریده و در او سرّ خود را نهاده است. در نتیجه، بنده حق ندارد برخی از ویژگی‌های طبیعی موجود را به هم بزند. این کار حرام است و دلیل بر این تحریم، این اصل است که انسان مالک مطلق جسد خود نیست و جز در حدودی که شرع تعیین کرده است، حق تصرف در آن را ندارد. در نتیجه، به طریق اولی انسان حق تصرف در جسد دیگران را به هیچ صورتی ندارد (الاستنساخ الجنینی، ۵۷). ایشان، آن‌گاه به آیه تغییر

خلق و عهد شیطان اشاره کرده، نتیجه می‌گیرد که این آیه دلیل بر حرمت شبیه‌سازی انسانی و گویای عدم تسلط فرد بر جسم خویش است و مفسران همه فرق و مذاهب در تفسیر این آیه گفته‌اند که تغییر خلق شما، هرگونه تغییری است که موجب دگرگونی و تغییر خلقت شود؛ به‌گونه‌ای که با فطرت در جسد انسان سازگار نباشد و عملی که مغایر فطرت خداوند باشد، به معنای کفر است. وی همین دلایل و شکل استدلال را در مقاله خود پیش می‌کشد و دنبال می‌کند (الاستنساخ بین الاسلام و المسیحیه، ۱۳۱ ـ ۱۳۵). بدین‌ترتیب، چهارمین دیدگاه در میان شیعه، مخالفت با شبیه‌سازی انسانی و تحریم این کار به‌عنوان اوّلی آن است. استدلال به آیه تغییر خلق و استناد به اصل عدم ملکیت انسان بر جسد خویش و در نتیجه حاکمیت اصالة الحظر در برابر اصالة الاباحه به معنای حرمت ذاتی و به‌عنوان اولی شبیه‌سازی انسانی است. ازاین‌رو نمی‌توان این دیدگاه را به دیدگاه سوم برگرداند و گفت که این نوع مخالفت نیز به‌عنوان حکم ثانوی است.

نتیجه‌گیری

عالمان اهل‌سنّت، در خصوص شبیه‌سازی انسانی هیچ استثنایی قائل نشده و همگی یکصدا به نادرست بودن، نامشروع بودن و غیراخلاقی بودن آن حکم می‌دهند که ادله آنها در این نوشتار نقد و بررسی شد. ولی عالمان شیعه در برابر شبیه‌سازی انسانی چهار موضع متفاوت اتخاذ کرده‌اند: برخی آن را مطلقاً جایز می‌دانند؛ حال آن‌که برخی دیگر آن را تنها در سطح فردی و به گونه‌ای محدود مجاز می‌شمارند. گروه سوم آن را به‌عنوان اولی جایز دانسته، به دلیل مفاسدی که این کار در پی دارد، به‌عنوان ثانوی حرام می‌دانند. گروه چهارم اصل این عمل را به‌عنوان اولی حرام می‌شمارند و برای اثبات نظر خود به آیه تغییر خلق الله و عدم ملکیت انسان بر جسم خود استناد می‌کنند.

به نظر می‌رسد با استظهار از اصالة الاباحه در اصول فقه شیعی، حکم شبیه‌سازی را از جهت عناوین اولیه بتوان مشمول اباحه دانست؛ چون هیچ دلیلی از منابع اربعه احکام، مبنی بر حرمت شبیه‌سازی وجود ندارد و این نظر تقریباً با فتوای اکثر فقهای معاصر یکسان است. همچنین از جهت عنوان ثانوی می‌توان قائل به جواز شد، چون هیچ دلیل قانع‌کننده و اطمینان‌بخشی بر حرمت آن نمی‌توان یافت. بنابراین با توجه به پیشرفت فناوری و ابداعات علمی و با توجه به توسعه و تنوع نیازهای انسان در جامعه کنونی، پذیرش حکم اباحه با فروض مطرح‌شده در مسئله نشان از پویایی فقه سلامی در همه عصرها دارد.

منابع

قرآن کریم

۱. اسلامی، حسن، (۱۳۸۶)، ***شبیه‌سازی انسانی از دیدگاه آیین کاتولیک و اسلام***، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم.

۲. الاشقر، محمد سلیمان، (۲۰۰۱)، ***ابحاث اجتهادیه في الفقه الطبی***، مؤسسه الرساله، بیروت.

۳. اصفهانی، کسرا، (۱۳۸۴)، «افکار عمومی و واکنش‌های سیاسی ـ مذهبی و فرهنگی داخلی و جهانی به پیشرفت‌های بشر در همانندسازی انسان»، ***در (مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی اخلاق زیستی)***، پژوهشگاه ملی مهندسی ژنتیک و زیست فناوری.

۴. تبریزی، جواد، (۱۴۲۷ق)، ***صراط النجاة***، چاپ اول، دار الصدیقة الشهیدة، قم.

۵. ترنس براون، ترجمه احمدیان، پریچهره، (۱۳۸۸)، ***مقدمه‌ای بر همسان‌سازی ژن‌ها***، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

۶. الجواهری، حسن (۱۴۲۳ق)، ***الاستنآم والاستنساخ***، در قرائات فقهیه معاصره في معطیات الطب الحدیث، الغدیر، بیروت.

۷. حائری، سید کاظم، (بی‌تا)، ***الفتاوی المنتخبة***، چاپ اول، دفتر آیت‌الله حائری، قم.

۸. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق)، ***تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه***، مؤسسه آل البیت، قم.

۹. حسین طه، علی، (۲۰۰۰م)، ***الاستنساخ بین العلم والدین***، دارالنذی، بیروت.

۱۰. الخادمی، نورالدین مختار، (۱۴۲۵)، ***الاستنساخ البشری بدعه العصر***، دار وحی القلم، بیروت.

۱۱. خرمی، جواد، (بهمن و اسفند ۱۳۸۲)، «شبیه‌سازی انسان، پیامدها و عکس‌العمل‌ها»، ***مجله مبلغان***، شماره ۵۱: ۱۶۲ - ۱۷۳.

۱۲. خطاب، عبدالمعز، (۱۹۹۷ق). ***الاستنساخ البشری هل هو ضد المشیئه الالهیه***، الدار الذهبیه، قاهره.

۱۳. الدمرداش، صبری، (۱۹۹۷ق)، ***الاستنساخ البشری قنبله العصر***، الریاض: مکتبه العبیکان.

۱۴. صادقی، محمود، (۱۳۸۳)، «همانندسازی انسان از نظر مراجع ادیان آسمانی و بررسی آن از نظر فقه اسلامی، اخلاق زیستی از منظر حقوقی، فلسفی و علمی»، ***مجموعه مقالات***، چاپ اول، نشر مشترک سازمان سمت و دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.

۱۵. طباطبائی حکیم، سیدمحمد سعید (۱۹۹۹ م)، ***فقه الاستنساخ البشری و فتآوی طبیه***، [بی‌نا، بی‌جا].

۱۶. عسگری یزدی، علی؛ مسعود میرزایی، (۱۳۹۶)، «بررسی و نقد شبیه‌سازی انسانی از منظر فقه اسلامی»، ***پژوهش‌های فقهی***، دوره ۱۳، شماره ۴.

۱۷. علیان‌نژادی، ابوالقاسم، (۱۳۸۰)، «دیدگاه فقهی آیت‌الله مکارم شیرازی درباره دو مسئله شبیه‌سازی و راه‌های فرار از ربا»، ***مجله پژوهش و حوزه***، سال دوم، شماره ششم.

۱۸. عودةالله، ریاض احمد، (۲۰۰۳)، ***الاستنساخ في میزان الاسلام***، دار اسامه، عمان.

۱۹. العوضی، عبدالرحمن؛ عبدالله، اشراف و تقدیم، (۱۹۹۹)، ***رؤیه الاسلامیه لبعض المشکلات الطبیه المعاصرة***، الجزء الثانی: الاستنساخ، المنظمه الاسلامیه للعلوم الطبیه، کویت.

۲۰. غنیم، کارم السید، (۱۹۹۸)، ***الاستنساخ و الانجاب بین تجریب العلماء و تشریع السماء***، دارالفکر العربی، قاهره.

۲۱. فضل‌الله، سید محمدحسین (۱۹۹۷ م)، وآخرون، ***الاستنساخ جدل العلم و الدین و الاخلاق***، مجموعه من‌المؤلفین، دارالفکر، دمشق.

۲۲. القرضاوی، المفتی شیخ یوسف عبدالله، (۲۰۰۲/۱۲/۲۸)، ***الاستنساخ بین العلم و الدین: ما حکم الاستنساخ في الاسلام***، قابل دسترسی در پایگاه اسلام آنلاین نت، به آدرس. islamonline.net.

۲۳. محسنی، محمد آصف، (۱۳۸۲)، ***الفقه و مسائل طبیه***، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه‌های علمیه، قم.

۲۴. محمدی، علی، (۱۳۸۷)، ***شبیه‌سازی انسان***، تهران: انتشارات معارف.

۲۵. مرتضوی، سید محسن، (۱۳۹۵)، ***شبیه‌سازی در آئینه فقه***، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، قم.
۲۶. مرکز الدراسات و البحاث الاسلامیه ـ المسیحیه، (۱۹۹۹)، ***الاستنساخ بین الاسلام و المسیحیه***، دارالفکر اللبنانی، بیروت.
۲۷. مرکز تحقیقات فقهی قوه قضاییه (گردآورنده) (۱۳۸۱)، ***مجموعه آرای فقهی ـ قضایی در امور حقوقی***، مرکز تحقیقات فقهی، قم.
۲۸. مصباح، سیدحسین همایون (۱۳۸۵)، «شبیه‌سازی انسانی و چالش‌های دینی ـ فقهی»، ***مجله کاوشی نو در فقه اسلامی***، شماره ۴۷.
۲۹. مصباح، عبدالهادی، (۲۰۰۲)، ***الاستنساخ بین العلم والدین***، الدار المصریه اللبنانیه، قاهره.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۲۴ق)، ***کتاب النکاح***، چاپ اول، مدرسه امیرالمؤمنین علیه‌السلام، قم.
۳۱. موسوی سبزواری، سید علی (۱۴۲۳ق)، ***الاستنساخ بین التقنیه و التشریع***، کوثر، [بی‌جا].
۳۲. مؤمن، محمد (۱۳۸۵)، «شبیه‌سازی، انواع واحکام آن»، ***کاوشی نو در فقه اسلامی***، شماره ۴۶.
۳۳. نادر، جمال، (۲۰۰۱)، ***الاستنساخ: حقائق علمی هو فتاوی شرعیه***، عمان، دارالاسراء.
۳۴. ولی‌زاده، رحمان و دیگران، (۱۳۸۵)، «بررسی فقهی شبیه‌سازی»، ***پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی***، شماره ۶.